



موضوع شناسی فقهی «امهال» مطالبات غیرجاری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

مهدی خطیبی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

چکیده

یکی از چالش‌های مهم در نظام بانکی، مطالبات غیرجاری است؛ از این رو شورای پول و اعتبار در صدد برآمد با تدوین و تصویب دستورالعمل اجرایی «امهال مطالبات غیرجاری» و ابلاغ آن به بانک‌ها مشکل مطالبات جاری را در حد امکان حل کند. امهال به معنای مهلت دادن به مشتریان بدهکاری است که مطالبات بانک از آنها غیر جاری شده است و طبق دستورالعمل مزبور با چهار روش «تقسیم مجدد، تمدید، تجدید و تبدیل» مهلت داده می‌شود. مهم‌ترین چالش فقهی که امهال به بدهکاران بانک را با اشکال مواجه می‌کند، شائبه ربا بودن آن است؛ زیرا نباید شیوه‌های امهال مستلزم تمدید مدت بدهی به ازای پرداخت مبالغ اضافی باشد. از آنجاکه این شیوه‌ها یکی از پرسش‌های پرتکرار از دفاتر مراجع معظم تقلید است، پژوهش حاضر به بررسی موضوع شناسانه این موضوع پرداخته است. یافته‌های این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر دستورالعمل اجرایی «امهال» در نظام بانکی انجام شده است و در قالب ۱۲ استفتاء جمع‌بندی شده، آماده ارسال به دفاتر مراجع معظم تقلید، برای صدور فتوای مقتضی است.

کلید واژه‌ها: امهال، مطالبات غیرجاری، تقسیم مجدد، تمدید قرارداد، تجدید قرارداد، تبدیل قرارداد.

مقدمه

تأخیر در تأدیه مطالبات بانکی یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی در تمامی کشورهای جهان است. قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران پولی همیشه به دنبال راه‌هایی بوده و هستند که بتوانند معوقات بانکی را کاهش دهند. بدین منظور در وهله نخست با وضع جریمه تأخیر سعی می‌کنند از بروز تأخیر در بازپرداخت بدهی جلوگیری کنند. جریمه تأخیر در حقیقت بالابردن هزینه تأخیر تأدیه برای بدهکاران بانکی است تا نسبت به پرداخت به موقع بدهی اقدام کنند. در بانکداری اسلامی جریمه تأخیر به این صورت که در صورت تأخیر مشتری در پرداخت اقساط از وی دریافت شود، بدون آنکه در قرارداد شرط شده باشد، ممنوع بوده و مصداق اکل مال به باطل است (موسویان، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۴ و ۱۵). در نظام بانکی بدون ربا حذف جریمه تأخیر باعث شد برخی از مشتریان بدهکارانه از روی تنگدستی بلکه به جهت منفعت طلبی پرداخت اقساط خود را به تعویق بیندازند؛ برای ایجاد بازدارندگی مشتریان بی‌نظم روش دیگری ابداع شد که در آن به صورت شرط ضمن عقد از مشتری خواسته می‌شود در صورت تعویق در پرداخت اقساط، مبلغی را به بانک پرداخت کند. برخی از فقها و مراجع تقلید معاصر چنین شرطی را جایز شمرده‌اند (<https://tyb.ir/?p=429>) و با استناد به فتوای ایشان در قراردادهای بانکی گنجانده شده است.



به‌رغم وضع جریمه در قالب شرط ضمن عقد برای تأخیر تأدیه بدهی، نظام بانکی همچنان گرفتار معوقات بانکی است و این وضعیت می‌تواند که تدابیری برای حل معضل معوقات اندیشیده شود. به همین منظور در سال ۱۳۹۸ ش شورای پول و اعتبار با تصویب دستورالعملی روش امهال مطالبات غیرجاری را به بانک‌ها ابلاغ کرد. البته این قانون پیش از تاریخ مزبور نیز در قانون عملیات بانکی بدون ربا، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن مورد توجه بوده است. مثلاً در تبصره یک ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی که در سال ۱۳۸۳ ش به تصویب رسیده، آمده است: «در صورت لزوم و وجود توجیهات کافی و در صورتی که طرح در پایان مدت قرارداد به اتمام نرسیده باشد قرارداد مشارکت مدنی مشروط به تصویب هیأت مدیره ذی ربط قابل تمدید است». در یک دهه اخیر نیز در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۷ ش و همچنین در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ ش موضوع امهال مطالبات غیرجاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد تأکید واقع شده است (بخشنامه شماره ۹۸/۲۱۲۶۸۱). با این حال در شبکه بانکی کشور نسبت به موضوع امهال مطالبات غیرجاری رویه واحدی وجود نداشت؛ تا اینکه «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات بانکی مؤسسات اعتباری» توسط بانک مرکزی تدوین شد و بعد از بررسی و تأیید در

شورای فقهی بانک مرکزی در جلسه یک هزار و دویست و هفتاد و ششم شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ در چهل ماده به تصویب رسید. سال بعد در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ اصلاحیه آن در ۴۱ ماده تصویب و در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۳ به شبکه بانکی ابلاغ گردید. (در ادامه نوشتار حاضر اصلاحیه دستورالعمل، مبنای موضوع شناسی قرار می‌گیرد و برای رعایت اختصار، از آن به «دستورالعمل امهال» یاد می‌شود).

با ورود امهال به نظام بانکی طبیعتاً استفتاء مقلدان از دفاتر مراجع تقلید در این باره آغاز می‌شود و صدور فتوا متوقف بر موضوع شناسی امهال است. طرح این پرسش‌ها بدان جهت است که با نگاه بدوی شبهه وقوع ربای جاهلی در شیوه‌های امهال قابل رد نیست؛ در یک تقسیم‌بندی، ربا به معاملی، قرضی و جاهلی تقسیم می‌شود. ربای معاملی عبارت است از مبادله دو کالای همجنس که مکیل یا موزون باشند و یکی از دیگری بیشتر باشد و یا معامله غیر نقدی باشد. ربای قرضی عبارت است از قرض دادن به دیگری به شرط زیاده در بازپرداخت قرض. ربای جاهلی هم عبارت است از افزایش مبلغ دین به ازای تمدید مدت آن. چه دین ناشی از قرض باشد یا معامله‌ای دیگر غیر از قرض مثل بیع نسیه (جوهری، بی‌تا، ص ۱۴). اگر چه برخی از اهل سنت مدعی هستند که فقط ربای جاهلی در اسلام حرام شده است و ربای قرضی و ربای معاملی حرام نیست؛ اما بسیاری دیگر از جمله فقهای شیعه ربا را در هر سه قسم حرام می‌دانند (جوهری، ۱۳۷۶ ش، ج ۵ و ۶، ص ۲۰۵). امهال مطالبات غیر جاری در نظام بانکی نیز در معرض شبهه ربای جاهلی بوده و از این جهت شیوه‌های طراحی شده برای امهال که در دستورالعمل مزبور آمده نیازمند بررسی موضوع شناسانه است. در تحقیق حاضر که به روش توصیفی تحلیلی به سامان رسیده به موضوع شناسی فقهی شیوه‌های امهال مطالبات غیر جاری در نظام بانکی می‌پردازیم تا ابعاد فقهی آن روشن شود و زمینه صدور فتوای صحیح برای فقها فراهم گردد. بدین منظور ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با امهال را تبیین می‌کنیم. سپس با تفکیک قراردادها به مشارکتی و غیر مشارکتی شیوه‌های امهال را که در دستورالعمل پیشنهاد شده است در مورد هر دسته از قراردادها مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در نهایت بسته پرسش‌هایی که باید به دفتر استفتائات مراجع معظم تقلید ارسال شوند ارائه خواهیم نمود.

موسویان و غلامی (۱۳۹۲ ش) در مقاله «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا» بهره‌گیری از عقد مشارکت مدنی کاهنده را راهکاری مناسب می‌دانند؛ به این صورت که یکی از دارایی‌های سرمایه‌ای مشتری با بانک به مشارکت گذاشته می‌شود، با این شرط که اولاً در دوران مشارکت در مقابل استفاده از سهم شرکت بانک، اجاره بهای دارایی را پرداخت کند، ثانیاً به صورت تدریجی سهم بانک را خریداری نماید.

باقری و همکاران (۱۳۹۹ش) در مقاله «بررسی ابعاد حقوقی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران» امهال مطالبات غیرجاری را در مسیر مقررات گذاری و اجرایی با چالش‌هایی از جمله علل ایجاد مطالبات غیرجاری، عدم توجه به ظرفیت حقوقی عقود جایگزین و... مواجه دانسته، و برای برون رفت از این چالش‌ها اصلاح متون قراردادی، بازنگری در مقررات بانکی و جلوگیری از تعدد مراجع قانونگذاری و نیز ایجاد شعب تخصصی محاکم قضایی را امری ضروری می‌داند.

باقری و صحرائورد (۱۴۰۰ش) در مقاله «راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی؛ بررسی دستورالعمل نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری» ضمن تفکیک مقوله امهال در عقود مبادله‌ای و مشارکتی، معتقد است در تسهیلات مبادله‌ای اخذ سود در مقابل امهال، مصداق ربای جاهلی است. لذا پیشنهادهای ارائه داده که هم سود بانک حفظ شود و هم مصداق ربای جاهلی نباشد. ولی در عقود مشارکتی از آنجاکه وام‌گیرنده بدهکار بانک نیست، تحقق ربا را منتفی دانسته، و جهت ایجاد رویه‌ای واحد قالب‌هایی برای امهال این‌گونه تسهیلات پیشنهاد داده است.

راغبی و همکاران (۱۴۰۱ش) در مقاله «آسیب شناسی روش‌های امهال مطالبات غیرجاری با معیار قصد جدی»، امهال مطالبات غیرجاری در عقود مشارکتی به روش تبدیل به عقود تسهیلاتی دیگر را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که اشکال قصد جدی که در نهایت منجر به وقوع ربا برای جاهلی می‌شود به صورت معتنابهی در این راهکار وجود دارد. باتوجه به پیچیدگی و دشواری روش‌های امهال و عدم اطلاع بسیاری از کارمندان و مشتریان از ماهیت و مفاد قراردادهای امهالی، نمی‌توان انعقاد قرارداد همراه با قصد جدی را از سوی طرفین متصور شد. در هیچ یک از پژوهش‌های مورد اشاره، رویکرد موضوع‌شناسانه به شیوه مرسوم در مرکز موضوع شناسی احکام فقهی اتخاذ نشده است (بیات، ۱۴۰۲ش). بر اساس شیوه مرسوم در مرکز، در تحقیقات موضوع‌شناسانه از صدور حکم خودداری می‌شود و تحقیق صرفاً به موضوع‌شناسی می‌پردازد و در نهایت یک یا چند پرسش در قالب استفتاء برای ارسال به دفتر مراجع معظم تقلید تدوین می‌شود. از این رو تلاش خواهد شد تا به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات شفاهی متخذ از مسئولان بانکی به موضوع‌شناسی فقهی امهال پرداخته شود و موارد ابهام شرعی در قالب چند استفتاء به محضر مراجع معظم تقلید تقدیم گردد.

۱. مطالبات بانکی و طبقه بندی آنها

مطابق بخشنامه شماره م/ب/۲۸۲۳ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۵ ابلاغی بانک مرکزی، مطالبات بانکی در یک دسته بندی به دو دسته مطالبات جاری و غیرجاری تقسیم می شود:

مطالبات جاری: به مطالبات سررسید یا حال شده ای که از سررسید یا حال شدن آنها بیش از دو ماه نگذشته باشد مطالبات جاری گویند.

مطالبات غیر جاری: به مطالباتی که از سررسید یا حال شدن آنها بیش از دو ماه گذشته باشد مطالبات غیرجاری می گویند.

مطالبات غیر جاری خود به سه دسته تقسیم می شود:

الف. مطالبات سررسید گذشته: به مطالباتی که بیشتر از ۲ ماه و کمتر از ۶ ماه از سررسید یا حال شدن آنها گذشته باشد مطالبات سررسید گذشته گویند.

ب. مطالبات معوق: به مطالباتی که بیشتر از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از سررسید یا حال شدن آنها گذشته باشد مطالبات معوق گویند.

ج. مطالبات مشکوک الوصول: به مطالباتی که بیشتر از ۱۸ ماه از سررسید یا حال شدن آنها گذشته باشد مطالبات مشکوک الوصول گفته می شود.

مطالبات سوخت شده: به مطالباتی گفته می شود که فارغ از تاریخ سررسید به دلایل مختلف از قبیل فوت، ورشکستگی بدهکار و یا دلایل دیگر قابل وصول نباشد و طبق ضوابط مربوط به مطالبات به عنوان مطالبات سوخت شده در نظر گرفته می شود.

۲. امهال

امهال واژه ای عربی از ریشه «مهل» است به معنای آرامش، وقار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۷) و رفق، و امهال به معنای رفق و وزیدن به کسی و عجله نکردن نسبت به اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۳۳).

در زبان فارسی امهال به معنای زمان دادن، مهلت و فرصت دادن و استمهال به معنای زمان خواستن و مهلت خواستن است (دهخدا، ۱۳۷۷ش).

در آیات الاحکام که ناظر به مباحث فقهی است اگر چه واژه امهال به کار نرفته است، اما

مضمون آن قابل تطبیق بر آیه «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره، ۲۸۰) است. طبق این آیه چنانچه بدهکار توان مالی پرداخت بدهی خود را نداشته باشد به اجماع فقها باید به او مهلت داده شود (علامه حلی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۷).

به رغم اجماعی بودن وجوب مهلت به بدهکار ناتوان از بازپرداخت، وجوب تکسب بر وی محل اختلاف است. برخی با استناد به آیه مورد اشاره تکسب را وجب نمی دانند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۷۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۶). اما برخی دیگر معتقدند تکسب بر وی واجب است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۸۶؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۴). در اصطلاح بانکی، توافق بانک با بدهکاران بانکی به منظور اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت بدهی به صورت‌هایی بعضاً متفاوت از قرارداد فعلی، امهال نامیده می شود (دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری بانک مرکزی، ماده ۱، بند ۴).

۳. مطالبات امهالی

آن گروه از مطالبات بانک‌ها از دریافت‌کنندگان تسهیلات که در چارچوب عقود مصرح در موضوع تبصره ذیل ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) و اصلاحات و الحاقات بعدی قانون مزبور امهال می‌گردد، مطالبات امهالی نامیده می‌شود (دستورالعمل امهال بانک مرکزی، ماده ۱، بند ۵).

۴. موضوع امهال مطالبات بانکی

طبق ماده ۲ دستورالعمل امهال، امهال شامل تمامی مطالبات غیرجاری می‌شود؛ اعم از اینکه در طبقه سررسید گذشته، معوق و یا مشکوک الوصول باشند. همچنین فرقی نمی‌کند که تمامی آن غیرجاری شده باشد یا بخشی از آن.

۵. مشارکت کاهنده

مشارکت مدنی کاهنده قراردادی است که به موجب آن مؤسسه اعتباری (بانک) و مشتری ضمن قرارداد (شرکت‌نامه) توافق می‌نمایند که مشتری به تدریج و بر اساس جدول زمان‌بندی سهم‌الشرکه بانک را تملک نماید (دستورالعمل اجرایی، ماده یک، بند ۱۳).

۶. قرارداد فعلی و قرارداد امهالی

فرایند امهال بعد از غیرجاری شدن مطالبات بانک در قرارداد پرداخت تسهیلات شروع

می‌شود و مستلزم انعقاد قرارداد جدید در قالب یکی از عقود اسلامی است. در این پژوهش قرارداد نخست که به دلیل عدم بازپرداخت به موقع بدهی غیرجاری شده است را قرارداد فعلی و قراردادی که طبق آن مطالبات غیرجاری امهال شده است را قرارداد امهالی می‌نامیم.

۷. فروش اقساطی و مرابحه

فروش اقساطی و مرابحه دو قرارداد مورد استفاده در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و هر دو مبتنی بر نقد و نسیه هستند؛ یعنی بانک به صورت نقدی چیزی را می‌خرد و به صورت نسیه و به مبلغ بیشتر به مشتری می‌فروشد. با این تفاوت که فروش اقساطی طبق مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا به خرید و فروش مسکن و یا اموال منقولی که در راستای گسترش صنعت و معدن و کشاورزی و خدمات باشد و همچنین مواد اولیه و لوازم یدکی واحدهای تولیدی اختصاص دارد. برخلاف مرابحه که عام است و کلیه کالاها و خدمات را شامل می‌شود. تفاوت دیگر این دو در اصالتی و وکالتی بودن است. در فروش اقساطی بانک خود مستقیم باید موضوع فروش اقساطی را خریداری کرده و به مشتری بفروشد. اما در مرابحه می‌تواند به مشتری وکالت خرید بدهد.

۸. عقود مشارکتی

با مراجعه به دستورالعمل امهال و دسته‌بندی عقود بانکی به مشارکتی و غیرمشارکتی، مشخص می‌شود بانک مرکزی برای چهار عقد مضاربه، شرکت عقدی (مشارکت مدنی)، مزارعه، مساقات که بر پایه مشارکت در سود و زیان بنا نهاده شده‌اند، فرم قرارداد یکسان تدوین نموده و آنها را عقود مشارکتی نامیده است. لازم به ذکر است قرارداد مزارعه و مساقات به رغم تدوین فرم قرارداد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند؛ چرا که بانک‌ها مزرعه یا باغی در اختیار ندارند تا به مشتری واگذار کنند.

۹. عقود غیرمشارکتی

کارشناسان بانک مرکزی با استفاده از ظرفیت فقه امامیه شش فرم قرارداد با عناوین مرابحه، اجاره به شرط تملیک، جعاله، استصناع، خرید دین و سلف طراحی کرده‌اند که در آنها بانک با انجام معامله در قالب این قراردادها سود قطعی دریافت خواهد کرد. در ادبیات بانک مرکزی از این قراردادها تحت عنوان عقود غیرمشارکتی یاد می‌شود. قرارداد قرض الحسنه نیز جزء این دسته از عقود است که البته از آن سودی نصیب بانک نمی‌شود و صرفاً می‌تواند کارمزد دریافت

کند. اگر چه شیوه فعلی دریافت کارمزد (به صورت درصدی و بر مبنای مانده بدهی سالانه) از سوی برخی از فقها و مراجع تقلید معاصر محل اشکال واقع شده است.
(<https://old.makarem.ir/main.aspx?more=1&catid=0&typeinfo=21&lid=0&pageindex=4>).

شیوه‌های امهال و واکاوی موضوع شناسانه آنها

بر اساس ماده ۱۵ و ۱۹ دستورالعمل اجرایی، امهال مطالبات غیرجاری به چهار شیوه امکان پذیر است:

۱. تقسیط مجدد

در این روش، قرارداد فعلی با تمام شرایط و وثایق به قوت خود باقی می ماند و قسمتی از مبلغ قرارداد که غیرجاری شده، تسویه و به روزرسانی می شود (باقری و صحرانورد، ۱۴۰۰ ش، ص ۶۶). به تصریح دستورالعمل این روش امهال اختصاص به عقود غیرمشارکتی دارد و در عقود مشارکتی نمی توان از آن استفاده کرد.

طبق ماده ۱۳ دستورالعمل امهال، بانک می تواند بدون انعقاد قرارداد جدید و از طریق تقسیط مجدد، اصل، سود و وجه التزام تأخیر تأدیه دین متعلق به اقساط سررسید شده را به صورت زیر دریافت کند:

عین مبلغ وجه التزام تأخیر تأدیه دین مربوط به اقساط سررسید شده به اقساط آتی اضافه می شود.

مبلغ اقساط سررسید شده به اقساط آتی اضافه می شود.

به عبارت دیگر بانک مبلغ اقساط سررسید گذشته را که مشتمل بر اصل و سود است و همچنین وجه التزام تعلق گرفته بر اقساط سررسید شده را تجمیع کرده و به مبلغ اقساطی که هنوز سررسید نشده اند می افزاید.

در تبصره ذیل ماده ۱۳ دستورالعمل امهال آمده است: «در تقسیط مجدد تعداد اقساط جدید باید برابر یا بیشتر از تعداد اقساط سررسید نشده باشد». مثلاً اگر پنج قسط از کل تسهیلات باقی مانده است، بعد از تقسیط مجدد، تعداد اقساط باید پنج قسط یا بیشتر باشد. به نظر می رسد افزودن مطالبات غیرجاری به اقساط سررسید شده و حتی افزایش تعداد اقساط تغییری در ماهیت قرارداد فعلی ایجاد نمی کند و در حقیقت موافقت بانک با تعویق دین است. چنین امهالی حتی به موافقت مشتری نیاز ندارد و بانک می تواند یک طرفه آن را

انجام دهد. فرض کنید قرارداد فعلی، تسهیلات مرابحه بوده و به دلیل تأخیر در پرداخت اقساط، مطالبات بانک غیرجاری شود. در صورت امهال، بانک موافقت می‌کند به مشتری مهلت دهد و در آینده مطالبات خود را دریافت کند؛ بنابراین بانک صرفاً از حق مطالبه خود دست بر می‌دارد و تغییری در قرارداد ایجاد نمی‌شود؛ حتی اگر تعداد اقساط باقی مانده را افزایش دهد. اجرای این روش امهال که اختصاص به عقود غیرمشارکتی دارد با دو چالش جدی مواجه است:

چالش اول: اگر قرارداد فعلی اجاره به شرط تملیک باشد و بانک بخواهد به روش تقسیط مجدد و با افزایش تعداد اقساط آن را امهال کند، تکلیف منافع عین مستأجره در زمان اضافه شده چه می‌شود؟ چون مدت اجاره با پایان قرارداد فعلی تمام شده و ماه‌هایی که به دلیل اقساط جدید به قرارداد اضافه می‌شود؛ خارج از مدت زمان اجاره است و طبق ماده ۱۱ قرارداد اجاره به شرط تملیک بانک به دلیل باقی ماندن مطالبات، بانک عین را به مشتری تملیک نمی‌کند؛ لذا مالک منافع عین در مدت مزبور می‌باشد؛ اقساطی هم که در ماه‌های اضافه شده پرداخت می‌شود بدهی‌های گذشته است و نمی‌تواند اجاره بهای مدت اضافه شده تلقی شود. بنابراین مشتری در آن مدت بدون پرداخت اجاره از منافع عین استفاده می‌کند. فرض کنید مدت قرارداد ده سال و تعداد اقساط ۱۲۰ قسط باشد و به دلیل تأخیر در تأدیه بدهی توسط مشتری قرارداد فعلی به روش تقسیط مجدد امهال شده و دو سال (۲۴ قسط) به قرارداد اضافه شود. طبق ماده ۱۱ قرارداد اجاره به شرط تملیک بعد از پرداخت کل مال الاجاره و سایر مطالبات توسط مشتری، بانک عین مستأجره را به ملکیت مشتری در می‌آورد؛ بنابراین در فرض امهال به روش تقسیط مجدد بانک در مدت زمان امهال (دو سال اضافه شده) عین را به مشتری تملیک نمی‌کند. طبق دستورالعمل در تقسیط مجدد تغییری در قرارداد ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین مدت اجاره همان ده سال است و دو سال که اضافه شده صرفاً مهلت بانک به مشتری برای تسویه بدهی وی است؛ بنابراین منافع عین مستأجره در این مدت متعلق به بانک است و مشتری بابت آن پولی پرداخت نمی‌کند.

پرسش فقهی آن است که آیا موافقت بانک با تعویق مطالباتش در قرارداد اجاره به شرط تملیک به معنای تملیک یا اباحه منافع عین مستأجره در مدت اضافه شده است؟ یا مشتری باید بابت آن اجاره پرداخت کرده و یا لاقلاً با بانک توافق کند؟

مطلب دیگری می‌تواند تقسیط مجدد را به لحاظ شرعی دچار اشکال کند، تعلق سود به مطالبات امهال شده است. توضیح آنکه شالوده بانک بر درآمدزایی آن هم بر سه محور «مبلغ/ مدت/ درصد» استوار است؛ بنابراین در روش تقسیط مجدد که مطالبات قبلی امهال شده و به اقساط سررسید نشده اضافه می‌شود، و یا حتی تعداد اقساط اضافه می‌شود، مطالبات بانک

مدتی دیرتر وصول می‌شود و طبق قاعده «مبلغ/ مدت/ درصد» بانک مایل است بابت آن سود دریافت کند. دستورالعمل امهال در این باره موضع‌گیری شفافی ندارد؛ در ماده ۸ دستورالعمل آمده است: «در تمامی روش‌های امهال مورد استفاده طبق مفاد این دستورالعمل به وجه التزام تأخیر تأدیه دین سود و وجه التزام تأخیر تأدیه دین تعلق نمی‌گیرد». طبق این ماده آنچه ممنوع است تعلق سود به وجه التزام است. اما در مورد تعلق سود به اصل و سود مطالبات غیرجاری ساکت است. در بخشنامه یکی از بانک‌های دولتی به واحدهای زیرمجموعه خود در این باره آمده است: «در صورتی که تعداد اقساط آتی کمتر از تعداد اقساط سررسید شده باشد می‌توان اقساط جدیدی متشکل از اصل، سود و مابه التفاوت وجه التزام اقساط سررسید شده تا سررسید جدید ایجاد نمود» (بانک سپه بخشنامه شماره ۲/۹۹/۲۰۶۹، ص ۳۱). در این عبارت دقیقاً مشخص نیست منظور از سود، سود جدید است یا سودی است که در قرارداد فعلی تثبیت شده است. استفسار شفاهی از برخی رؤسای شعب و اظهار نظر برخی از کارشناسان نظام بانکی حاکی از آن است که نرم افزار بانک‌ها خود به خود سود را محاسبه کرده و به مطالبات امهال شده می‌افزاید.

(https://www.mbri.ac.ir/IslamicBanking/IslamicBanking_Page?News_ID=304468&tknfv=paa4b7c0d-5975-4030-925b-b58d3fbbdg7rd7).

اگر در شیوه تقسیط مجدد این اتفاق بیفتد، به نظر می‌رسد مصداق ربای جاهلی است؛ چون بانک و مشتری توافق می‌کنند مطالبات حال شده (اصل و سود قرارداد فعلی) در ازای زیاده (سود تعلق گرفته به اصل و سود قرارداد فعلی) به تعویق بیفتد. مگر آنکه این توافق را فسخ عملی قرارداد قبلی و انشاء قرارداد جدید تلقی کنیم. بنابراین پرسش فقهی اینکه اگر در قراردادهای غیرمشارکتی با موافقت مشتری و بانک مطالبات غیرجاری بانک به صورت اقساط جدید در آید و سودی هم به آن تعلق بگیرد آیا می‌توان چنین توافقی را به معنای فسخ قرارداد قبلی و انعقاد قرارداد جدید با شرایط جدید تلقی کرد؟ یا برای این کار لازم است قرارداد قبلی فسخ شده و انشاء قرارداد، مجدداً انجام شود؟

۲. تمدید قرارداد

در روش تمدید، مدت زمان اجرای مفاد قرارداد فعلی که موضوع آن به اتمام نرسیده است با توافق مؤسسه و مشتری افزایش می‌یابد (دستورالعمل اجرایی، ماده ۱، بند ۹). به عبارت دیگر عقد انشاء شده با تمام ارکان و شرایط خود باقی است و صرفاً مدت عقد افزایش می‌یابد (باقری و صحرانورد، ۱۴۰۰ش، ص ۷۱). این شیوه امهال اختصاص به عقود مشارکتی دارد؛ چرا که طبق بند ۹ ماده ۱ دستورالعمل فرض آن است که موضوع قرارداد به اتمام نرسیده است و با تمدید قرارداد به مشتری فرصت داده می‌شود که کار را به اتمام برساند. همچنین طبق تبصره ۱ ماده ۲ فرقی نمی‌کند قرارداد سررسید شده باشد یا نشده باشد.

در امهال به روش تمدید قرارداد سخنی از اقاله یا فسخ قرارداد قبلی به میان نیامده است؛ چون این شیوه مفاد قرارداد فعلی را تغییر نمی‌دهد. به عبارت واضح‌تر تعیین بازه زمانی در عقود مضاربه، مشارکت مدنی، مساقات و مزارعه به لحاظ شرعی لازم نیست و حمل بر زمان متعارف می‌شود. تعیین زمان برای این عقود در قراردادهای بانکی هم صرفاً برای الزام مشتری به انجام برخی از شروط ضمن عقد افزوده شده است. مثلاً در مضاربه تبصره ذیل ماده ۸ بیان می‌دارد که در صورت فروش نرفتن کالا مشتری موظف است شخصاً آن را خریداری کرده و وجه آن را به حساب مضاربه واریز کند. در قرارداد مشارکت مدنی نیز چنین است و در ماده ۱۲ تصریح شده است که اگر موضوع مشارکت فروش نرفته باشد مشتری موظف است آن را خریداری کند. تعیین زمان در قرارداد مضاربه و مشارکت برای منضبط کردن این قسم از شروط است؛ تا مشتری دقیقاً بداند چه زمانی موظف است به این شروط عمل کند.

با این اوصاف اگر بانک مدت زمان قرارداد را تمدید کند با فرض اینکه موضوع قرارداد باقی مانده باشد در حقیقت از اعمال حق خود نسبت الزام مشتری در عمل به شروط مزبور خودداری کرده است. این نوع خویشتن‌داری در استیفای حق قرارداد را تغییر نمی‌دهد؛ بنابراین تمدید زمان در حقیقت دادن فرصت بیشتر به مشتری برای انجام وظایف محوله بر اساس قرارداد است.

تنها معضلی که در رابطه با روش تمدید وجود دارد تجویز تغییر مفاد قرارداد است. طبق ماده ۱۶ دستور العمل امهال در صورت تمدید قرارداد مشارکت مدنی مؤسسه اعتباری و مشتری می‌توانند در خصوص مفاد دیگر قرارداد از جمله میزان سهم شرکتی، نسبت سود و وثایق مأخوذه توافقات جدیدی نمایند.

باتوجه به اینکه در این روش سخنی از فسخ یا اقاله قرارداد فعلی به میان نیامده است و در ماده ۱۱ هم تمدید را ادامه قرارداد فعلی نامیده است؛ تغییر در سهم سود یا سهم شرکتی چگونه قابل توجیه است؟

پرسش فقهی این است که اگر در قرارداد مشارکت مدنی علاوه بر افزایش مدت زمان، سهم سود یا سهم شرکتی یا سایر قیود این چنینی تغییر کند، آیا لازم است قرارداد مجدداً انشاء شود یا همین که مشتری از تغییر قیود قرارداد مطلع شده و راضی باشد کافی است و نیاز به انشاء جدید قرارداد نیست؟

چالش دیگر تمدید افزایش سود بانک به ازای تمدید است. طبق قاعده «مبلغ/مدت/درصد» بانک سود تسهیلات را بر اساس زمان محاسبه می‌کند. در صورت تمدید قراردادهای مشارکتی طبیعتاً مدت قرارداد افزایش می‌یابد و طبق قاعده مزبور بانک تمایل دارد سود بیشتری دریافت کند.

پرسش فقهی این است که آیا بانک می‌تواند در ازای تمدید قراردادهای مشارکتی نرخ سود اعلامی مشتری را به صورت نسبی افزایش دهد؟ (مثلاً اگر زمان ده درصد اضافه شده نرخ سود اعلامی مشتری هم ده درصد اضافه شود).

۳. تجدید قرارداد

در بند ۱۰ ماده یک دستورالعمل امهال راجع به روش تجدید قرارداد چنین آمده است: «فسخ/ اقاله و خاتمه قرارداد فعلی و انعقاد قرارداد جدیدی از همان نوع قرارداد نسبت به موضوع قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری».

طبق مفاد دستورالعمل از این شیوه فقط در عقود غیرمشارکتی استفاده می‌شود. این بدان دلیل است که عقود مشارکتی قابلیت تمدید زمانی را دارند و تجدید قرارداد در آنها ضرورتی ندارد. ویژگی اصلی روش تجدید قرارداد که در دستورالعمل بر آن تأکید شده است دو چیز است: اول آنکه قرارداد جدید از سنخ قرارداد قبلی است؛ دوم آنکه موضوع قرارداد فعلی همچنان باقی است و موضوع قرارداد امهالی قرار می‌گیرد. به خاطر ویژگی دوم در مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ تأکید شده است در فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مرابحه کالایی و استصناع باید عین مال موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از آن در آینده ممکن باشد. همچنین در جعاله و مرابحه خدماتی باید انجام خدمت موضوع قرارداد به اتمام نرسیده باشد و بخش قابل توجهی از آن باقی مانده باشد. در قرارداد سلف نیز باید امکان جایگزینی موضوع قرارداد به لحاظ خصوصیات و ویژگی‌ها امکان پذیر باشد.

لازم به ذکر است که قرارداد خرید دین قابل تجدید نیست؛ چون اگر دین خریداری شده سررسید نشده باشد، مطالبات بانک غیرجاری نشده است و اگر سررسید شده و وصول نشده باشد، دین حال است و خرید آن به مبلغ کمتر در حقیقت ابراء ذمه مشتری از مابقی دین است و بانک چنین کاری انجام نمی‌دهد. چنانچه طرفین بخواهند با افزایش مبلغ دین، آن را به تعویق بیندازند، و بعد بانک آن را به مبلغ کمتر خریداری کند مصداق ربای جاهلی خواهد بود. در این باره پرسش فقهی آن است که آیا قرارداد خرید دین به روش تجدید قرارداد قابل امهال است؟

۴. تبدیل قرارداد

در این شیوه ابتدا قرارداد فعلی فسخ یا اقاله شده و خاتمه می‌یابد سپس امهال به یکی از سه صورت انجام می‌شود:

الف. انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت از قرارداد فعلی نسبت به همان موضوع قرارداد؛ مثلاً اگر موضوع قرارداد یک دستگاه خودرو سمنند در قالب مرابحه بوده است، و مشتری مبتلاً به اقساط غیرجاری شده است، قرارداد مرابحه اقاله شده و خودرو به ملک بانک برمی‌گردد. سپس بانک همان خودرو را در قالب قرارداد دیگری مثل اجاره به شرط تملیک به مشتری منتقل می‌کند.

ب. انعقاد قرارداد جدیدی از همان نوع قرارداد فعلی نسبت به موضوعی دیگر؛ مثلاً اگر موضوع قرارداد یک واحد مسکونی در قالب عقد اجاره به شرط تملیک باشد و مشتری به اقساط غیرجاری مبتلاً شده باشد، قرارداد مزبور فسخ شده و بانک بخشی از اموال مشتری (مثلاً خودرو سواری وی) را به ازای بدهی مشتری تملک کرده و در قالب قرارداد مرابحه به وی منتقل می‌کند.

ج. انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت از قرارداد فعلی نسبت به موضوع متفاوت؛ مثلاً اگر موضوع قرارداد یک دستگاه خودرو سمنند در قالب عقد مرابحه باشد، و مشتری به اقساط غیرجاری مبتلاً شده باشد، قرارداد مزبور فسخ شده و بانک بخشی از اموال مشتری (مثلاً واحد مسکونی وی) را به ازای بدهی وی تملک کرده و در قالب اجاره به شرط تملیک به وی منتقل می‌کند.

در برخی از مصادیق روش تبدیل دو اشکال عمده وجود دارد: اشکال اول کالی به کالی شدن معامله است. مثلاً در جعاله بانک عامل و مشتری جاعل است؛ بنابراین نتیجه عملی که انجام شده و اتمام یافته متعلق به جاعل است و بانک صرفاً مستحق جُعل است. حال اگر قرارداد جعاله به روش تبدیل امهال شود و قرار باشد به سلف یا خرید دین تبدیل شود؛ طبیعتاً مطالبات بانک ثمن سلف و خرید دین قرار می‌گیرد؛ در این صورت ثمن و مضمن هر دو دین و معامله کالی به کالی خواهد شد. در صورتی که قرارداد فعلی فروش اقساطی، مرابحه، اجاره به شرط تملیک باشد و موضوع قرارداد موجود نباشد باز همین اشکال وجود دارد. چون دین حال شده، ثمن سلف یا دین مؤجل قرار می‌گیرد.

البته چنانچه بانک تسهیلات جدید سلف به مشتری پرداخت کند و بعد از انجام معامله و واریز بهای سلف به حساب مشتری مبلغ واریزی را به جای طلب پیشین خود بردارد؛ اشکال کالی به کالی برطرف می‌شود؛ اما این دیگر تبدیل قرارداد نیست. بلکه قرارداد جدیدی است که صرفاً در آن قید شده که بانک می‌تواند مبلغ واریز شده به حساب مشتری را به ازای طلب پیشین خود بردارد.

بررسی‌های میدانی و پرس جوهای شفاهی نشان می‌دهد بانک‌ها از روش پرداخت تسهیلات جدید در موارد تبدیل قرارداد استفاده می‌کنند.

پرسش فقهی آن است که اگر قرارداد جعاله امهال شده و تبدیل به سلف یا خرید دین شود و مطالبات بانک در قرارداد جعاله ثمن قرارداد سلف یا ثمن خرید دین قرار گیرد آیا معامله کالی به کالی نمی‌شود؟.

برخی از نویسندگان، امهال از طریق تبدیل قرارداد را به لحاظ تحقق قصد جدی محل تردید قرار داده و آن را صرفاً راهی برای فرار از ربای جاهلی دانسته‌اند (راغبی و فراهانی فرد و ملا کریمی، ۱۴۰۱ش، ص ۱۶۹).

روشن است که غرض بانک از امهال در قالب تبدیل قرارداد آن است که مطالبات غیرجاری خود را احیاء کرده و با افزایش مدت، این امکان را به مشتری بدهد که بتواند اقساط را پرداخت کند. بدیهی است که در ازای افزایش مدت سود محاسبه شده نیز افزایش می‌یابد، بنابراین نتیجه آن با مهلت دادن در ازای افزایش بدهی یکسان است. بر همین اساس پرسش فقهی این است که اگر بانک با چنین غرض و هدفی قرارداد را تبدیل کند، آیا می‌توان گفت قصد جدی معامله تحقق نیافته و صرفاً حيله‌ای غیرمشروع برای فرار از ربا بوده است؟.

در ادامه شیوه‌های امهال هر یک از قراردادهای تسهیلات با تفکیک بین عقود مشارکتی و عقود غیرمشارکتی در قالب جدول مورد بررسی موضوع شناسانه قرار می‌دهیم (از آنجا که قرارداد مزارعه و مساقات در نظام بانکی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد از ذکر آن دو خودداری می‌کنیم).

امهال در عقود مشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
مشارکت مدنی و مضاربه	تمدید قرارداد	--	طبق دستورالعمل امهال در مشارکت مدنی برخی مفاد قرارداد همچون نسبت سود و سهم شرکت قابل تغییر و توافق مجدد است. پرسش این است که آیا با تغییر در این موارد می توان گفت قرارداد به قوت خود باقی است و صرفاً زمان آن طولانی شده است؟ یا تغییر این موارد نیازمند انشاء مجدد است؟
		فروش اقساطی	اگر موضوع مشارکت مدنی یا مضاربه باقی مانده باشد بانک می تواند با موافقت مشتری قرارداد مشارکت یا مضاربه را اقاله کرده و سهم خود را در قالب فروش اقساطی به مشتری منتقل کند. اگر موضوع قرارداد باقی نمانده باشد طبق دستورالعمل استفاده از این شیوه تبدیل در مضاربه مجاز نیست.
	مرابحه	اگر موضوع مشارکت مدنی یا مضاربه باقی مانده باشد بانک می تواند با موافقت مشتری قرارداد مشارکت یا مضاربه را اقاله کرده و سهم خود را در قالب مرابحه به مشتری منتقل کند. اگر موضوع قرارداد باقی نمانده باشد طبق دستورالعمل استفاده از این شیوه تبدیل در مضاربه (مضاربه به مرابحه) مجاز نیست.	
	تبدیل قرارداد	اجاره به شرط تملیک	اگر موضوع مشارکت مدنی و مضاربه موجود و قابل اجاره باشد بانک بعد از فسخ یا اقاله قرارداد قبلی سهم خود را که به لحاظ قیمت برابر با تمام مطالبات است در قالب اجاره به شرط تملیک به مشتری منتقل می کند. اگر موضوع قرارداد از بین رفته باشد بانک تمام یا بخشی از دیگر اموال مشتری را به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می کند.
		سلف	در این شیوه، کالایی به صورت سلف از مشتری خریداری شده و بهای آن که تسهیلات جدید است به حساب مشتری واریز می شود. سپس مبلغ مزبور عوض بدهی پیشین مشتری برداشت شده و پرونده تسهیلات پیشین مختومه می شود.
		خرید دین	در این روش بانک قرارداد مضاربه و مشارکت مدنی را فسخ می کند و از مشتری مطالبات استقبالی اش از دیگران را که حاصل معاملات واقعی است به قیمت کمتر و به صورت نقدی می خرد. اگر عین موضوع قرارداد مشارکت و مضاربه موجود باشد همان ثمن خرید دین خواهد بود و اگر موجود نباشد بهای دین خریداری شده را که خود تسهیلات جدید است به حساب مشتری واریز می کند، و سپس با اجازه مشتری آن را برای تسویه مطالبات غیرجاری پیشین برداشت می کند.

امهال در عقود غیرمشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
فروش اقساطی	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه می شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟
	تجدید قرارداد	--	باید عین مال موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از آن در آینده ممکن باشد.
	مشارکت مدنی کاهنده		در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می شود و سهم شرکت وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می شود.
	اجاره به شرط تملیک		اگر موضوع فروش اقساطی موجود و قابل اجاره باشد، بعد از اقاله/فسخ قرارداد قبلی، بانک به میزان مطالبات خود بخشی از موضوع قرارداد را در قالب اجاره به شرط تملیک به مشتری منتقل می شود. اگر موضوع باقی نمانده باشد یا قابل اجاره نباشد بانک از دیگر اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری کرده و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می کند.
تبدیل قرارداد		سلف	بعد از اقاله/فسخ فروش اقساطی، اگر موضوع قرارداد فعلی موجود باشد، کالای دیگری به صورت سلف از مشتری پیش خرید می شود و بعد از واریز ثمن آن (که تسهیلات جدید است) به حساب مشتری، موضوع قرارداد فعلی به ازای آن مبلغ به مشتری فروخته می شود. و اگر موضوع قرارداد فعلی موجود نباشد ثمن سلف به حساب مشتری واریز شده و از محل آن مطالبات بانک برداشت می شود.
		خرید دین	اگر موضوع قرارداد قبلی باقی باشد بعد از اقاله/فسخ به ملک بانک برمی گردد و بانک می تواند آن را ثمن بیع دین قرار دهد. اگر موضوع باقی نمانده باشد مطالبات حال بانک ثمن بیع دین خواهد بود. پرسش این است که آیا می توان مطالبات حال را در بیع دین ثمن قرار داد؟

امهال در عقود غیرمشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
اجاره به شرط تملیک	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می‌شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه می‌شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟
	تجدید قرارداد	--	باید عین مال موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از آن در آینده ممکن باشد.
	تبدیل قرارداد	مشارکت مدنی کاهنده	در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می‌شود و سهم شرکتی وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می‌شود.
		اجاره به شرط تملیک دیگر	قرارداد قبلی فسخ شده و اجاره به شرط تملیک بر موضوع جدیدی بسته می‌شود. بانک موضوع جدید را به ازای مطالبات خود خریداری کرده و مجدداً آن را به مشتری در قالب اجاره به شرط تملیک واگذار می‌کند.
		فروش اقساطی	بانک می‌تواند قرارداد اجاره به شرط تملیک را اقاله یا فسخ کرده و موضوع قرارداد را (به اندازه مطالباتش) در قالب فروش اقساطی به مشتری منتقل کند.
	خرید دین	سلف	بانک کالایی را به صورت سلف و به قیمتی معادل مطالبات خود از مشتری می‌خرد و بعد از فسخ قرارداد اجاره به شرط تملیک، سهم خود از موضوع قرارداد قبلی را که معادل مطالباتش است ثمن و بهای سلف قرار می‌دهد.
			در این روش بانک مطالبات استقبالی و واقعی مشتری را می‌خرد و بعد از فسخ یا اقاله قرارداد اجاره به شرط تملیک، سهم خود از موضوع قرارداد که معادل مطالباتش است را ثمن بیع دین قرار می‌دهد.

امهال در عقود غیرمشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می‌شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟
	تجدید قرارداد	--	در مرابحه کالایی باید عین مال موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از آن در آینده ممکن باشد. در مرابحه خدماتی باید انجام خدمت موضوع قرارداد به اتمام نرسیده و به تشخیص مؤسسه اعتباری بخش قابل توجهی از آن باقی مانده باشد.
	مشارکت مدنی کاهنده		در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می‌شود و سهم الشرکه وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می‌شود.
مرابحه کالایی و خدماتی	اجاره به شرط تملیک		اگر موضوع مرابحه کالایی موجود باشد و قابل اجاره، بانک بعد از اقاله یا فسخ قرارداد سهم خود از موضوع را که به میزان مطالباتش است در قالب اجاره به شرط تملیک به مشتری منتقل می‌کند. اگر موضوع مرابحه کالایی موجود نباشد یا قابل اجاره نباشد، یا مرابحه خدماتی باشد، بانک تمام یا بخشی از اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می‌گردد.
	تبدیل قرارداد	سلف	بانک کالایی را به صورت سلف از مشتری خریداری می‌کند و بعد از فسخ قرارداد مرابحه سهم خود از موضوع مرابحه را که معادل مطالباتش است بهای سلف قرار می‌دهد. اگر موضوع مرابحه از بین رفته باشد مطالبات حال بانک ثمن سلف قرار می‌گیرد. در صورت دوم این پرسش مطرح است که آیا در سلف می‌توان مطالبات حال شده را ثمن و بهای سلف قرار داد؟
	خرید دین		بانک مطالبات استقبالی مشتری را به قیمت کمتر از وی می‌خرد و بعد از فسخ قرارداد مرابحه سهم خود از موضوع مرابحه را که معادل مطالباتش است ثمن بیع دین قرار می‌دهد. اگر موضوع مرابحه از بین رفته باشد مطالبات حال بانک ثمن دین خریداری شده قرار می‌گیرد. در صورت دوم این پرسش مطرح است که آیا در بیع دین می‌توان مطالبات حال شده را ثمن قرار داد؟

امهال در عقود غیرمشارکتی				
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات	
خرید دین	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه می شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟	
	تجدید قرارداد	--		
	تبدیل قرارداد	مشارکت مدنی کاهنده		در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می شود و سهم شرکتی وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می شود.
		اجاره به شرط تملیک		تمام یا بخشی از اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می گردد.
		سلف		بانک کالایی را به صورت سلف از مشتری می خرد و بهای آن را سهم خود از موضوع مرابحه که معادل مطالباتش است قرار می دهد. اگر موضوع مرابحه موجود نباشد مطالبات بانک ثمن سلف قرار می گیرد. در صورت دوم این پرسش فقهی مطرح است که آیا می توان مطالبات حال شده که دین بر ذمه مشتری است در بیع سلف ثمن قرار داد؟
		خرید دین دیگر		بانک مطالبات استقبالی و واقعی مشتری را می خرد و بهای آن را سهم خود از موضوع مرابحه که معادل مطالباتش است قرار می دهد. اگر موضوع مرابحه موجود نباشد مطالبات بانک که دین بر ذمه مشتری است ثمن بیع دین قرار می گیرد. در صورت دوم این پرسش فقهی مطرح است که آیا می توان مطالبات حال شده را که دین بر ذمه مشتری است در بیع دین ثمن قرار داد؟

امهال در عقود غیر مشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
جعاله	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه می شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ریای جاهلی نیست؟
	تجدید قرارداد	--	باید انجام خدمت موضوع قرارداد به اتمام نرسیده و به تشخیص مؤسسه اعتباری بخش قابل توجهی از آن باقی مانده باشد.
	مشارکت مدنی کاهنده		در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می شود و سهم شرکتی وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می شود. بخشی از اموال مشتری به قیمت معادل مطالبات بانک شریک شده و با پرداخت اقساط به تدریج مالکیت را به وی منتقل می کند.
	اجاره به شرط تملیک		تمام یا بخشی از اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می گردد.
	تبدیل قرارداد	سلف	بانک کالایی را به صورت سلف از مشتری می خرد و بهای آن را مطالباتش از قرارداد جعاله قرار می دهد. پرسش فقهی مطرح در این روش آن است که آیا می توان مطالبات حال شده که دین بر ذمه مشتری است در بیع سلف ثمن قرارداد؟
	خرید دین		بانک مطالبات استقبالی مشتری را به قیمت کمتر از وی می خرد و بعد از فسخ قرارداد مرابحه سهم خود از موضوع مرابحه را که معادل مطالباتش است ثمن بیع دین قرار می دهد. اگر موضوع مرابحه از بین رفته باشد مطالبات حال بانک ثمن دین خریداری شده قرار می گیرد. در صورت دوم این پرسش مطرح است که آیا در بیع دین می توان مطالبات حال شده را ثمن قرار داد؟

امهال در عقود غیرمشارکتی				
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات	
سلف	تقسیم مجدد	--	در تقسیم مجدد مطالبات حال شده به اقساط سررسید نشده اضافه می شود و ممکن است به تعداد اقساط اضافه می شود. رویه بانک دریافت سود به ازای افزایش مدت است. پرسش فقهی: آیا دریافت سود به ازای افزایش تعداد اقساط جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟	
	تجدید قرارداد	--	خصوصیات موضوع قرارداد به گونه ای باشد که قابلیت جایگزینی کالاهای دیگر از همان نوع وجود داشته باشد.	
	تبدیل قرارداد	مشارکت مدنی کاهنده		در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می شود و سهم الشرکه وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می شود.
		اجاره به شرط تملیک		تمام یا بخشی از اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می گردد.
		سلف		کالای تولید شده توسط تسهیلات گیرنده به صورت سلف پیش خرید می شود. در سررسید تسهیلات گیرنده بجای تحویل کالا، معادل ریالی آن را می پردازد.
		خرید دین		بانک مطالبات استقبالی مشتری را به قیمت کمتر از وی می خرد و بعد از فسخ قرارداد مرابحه سهم خود از موضوع مرابحه را که معادل مطالباتش است ثمن بیع دین قرار می دهد. اگر موضوع مرابحه از بین رفته باشد مطالبات حال بانک ثمن دین خریداری شده قرار می گیرد. در صورت دوم این پرسش مطرح است که آیا در بیع دین می توان مطالبات حال شده را ثمن قرار داد؟

امهال در عقود غیرمشارکتی			
عقد فعلی	روش امهال	عقد جدید	توضیحات
		مشارکت مدنی کاهنده	در این روش بانک به میزان مطالبات خود در کسب و کار مشتری شریک می شود و سهم الشرکه وی به صورت تدریجی یا یکجا بر اساس جدول زمان بندی به مشتری منتقل می شود.
		اجاره به شرط تملیک	تمام یا بخشی از اموال مشتری به ارزش کارشناسی و معادل مطالبات، خریداری و سپس در قالب عقد اجاره به شرط تملیک مجدداً به وی واگذار می گردد.
سایر مطالبات	تبدیل قرارداد	سلف	بانک کالایی را به صورت سلف از مشتری می خرد و بهای آن را مطالباتش قرار می دهد. پرسش فقهی مطرح در این روش آن است که آیا می توان مطالبات حال شده که دین بر ذمه مشتری است در بیع سلف ثمن قرارداد؟
		خرید دین	بانک مطالبات استقبالی مشتری را به قیمت کمتر از وی می خرد و مطالباتش را ثمن آن قرار می دهد. در مورد این روش این پرسش مطرح است که آیا در بیع دین می توان مطالبات حال شده را ثمن قرارداد؟

۵. برخی ابهامات فقهی موجود در دستورالعمل امهال

دستورالعمل امهال مشتمل بر ۴۱ ماده است. برخی از مواد این دستورالعمل به لحاظ فقهی نیازمند واکاوی است چرا که به نظر می‌رسد مشتمل بر خلاف شرع باشند. بدین منظور مواد مزبور را با نگاه موضوع‌شناسانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. طبق دستورالعمل امهال در دو شیوه تجدید و تبدیل، قرارداد فعلی فسخ یا اقاله شده و قرارداد جدیدی منعقد می‌شود. در دستورالعمل دقیقاً مشخص نیست که فسخ و اقاله فقط نسبت به مطالبات غیرجاری اتفاق می‌افتد یا کل قرارداد فسخ می‌شود. در صورت دوم مشخص است که کل مبالغ وصول شده اعم از اصل و سود و وجه التزام به مشتری عودت داده شود و بانک صرفاً مالک عین موضوع قرارداد است و اگر موضوع تلف شده باشد مالک قیمت آن است. اما اگر صرفاً بخش مطالبات غیرجاری فسخ یا اقاله شود در این صورت بخشی از موضوع قرارداد که اقساطش وصول شده نافذ است و بقیه فسخ یا اقاله می‌شود.

پرسش فقهی آن است که آیا امکان فسخ یا اقاله بخشی از قرارداد (مشخصاً مطالباتی که غیرجاری شده و مطالباتی که سررسید نشده است) امکان‌پذیر است؟

۲. در ماده ۱۲ دستورالعمل آمده است:

موافقت مؤسسه اعتباری با درخواست مشتری مبنی بر صرف نظرکردن از اقدامات اجرایی و حقوقی جهت وصول مطالبات خود در دوره مشخص (حداکثر برای یک سال) با رعایت کلیه مفاد قرارداد از جمله تعلق وجه التزام تأخیر تأدیه دین برای دوره مزبور بلامانع است.

به نظر می‌رسد توافق بر مجاز بودن دریافت وجه التزام توسط بانک در ازای صرف نظرکردن از اقدامات اجرایی و حقوقی آن را برای جاهلی تبدیل می‌کند؛ چون بانک و مشتری توافق می‌کنند که اقدامات حقوقی انجام نشود بانک هم وجه التزام را دریافت کند.

به لحاظ فقهی این پرسش مطرح است که آیا چنین توافقی جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟

۳. در تبصره ذیل ماده ۷ آمده است:

مؤسسه اعتباری می‌تواند تسویه وجه التزام/ خسارت و هزینه‌های مترتبه متعلق قرارداد قبلی را از مبالغ پرداختی مشتری پس از امهال در اولویت قرار داده و یا نسبت به تسهیم بالنسبه نمودن مبالغ مزبور اقدام نماید.

پرسش فقهی در این باره آن است که آیا تسهیم مطالبات اختیاری است و بانک می‌تواند از آن امتناع ورزد یا امری قهری بوده و خودبه‌خود مطالبات تسهیم می‌شود و امکان اتخاذ رویه‌ای دیگر وجود ندارد؟

در روش تبدیل، همه قراردادها اعم از مشارکتی و غیرمشارکتی قابل تبدیل به قرارداد خرید دین هستند. خرید دین به این صورت است بانک اسناد تجاری مشتری را که به تاریخ آینده است به صورت نقدی و به مبلغی کمتر از وی می‌خرد و در سررسید اسناد مزبور مبلغ اسمی اسناد مزبور را دریافت می‌کند و مابه‌التفاوت این دو رقم سود بانک خواهد بود. نکته مهم در مورد بیع دین آن است که ثمن باید حتماً نقد باشد و نمی‌تواند دین باشد.

در روش تبدیل بانک و مشتری توافق می‌کنند که معامله قبلی فسخ شود و قرارداد جدیدی انشاء شود. حال اگر بانک و مشتری بخواهند قرارداد فعلی را به قرارداد خرید دین تبدیل کنند، باید ثمن نقد باشد. چنانچه موضوع قرارداد قبلی باقی مانده باشد با فسخ قرارداد بانک مالک آن خواهد بود؛ بنابراین با خرید دین آنچه را که مالک است به عنوان ثمن به مشتری منتقل می‌کند. اما اگر موضوع موجود نباشد. در این صورت آنچه که بانک مالک است مطالبه‌ای در ذمه مشتری است. پرسش فقهی آن است که آیا بانک می‌تواند این دین را ثمن دین خریداری شده قرار دهد؟ در موارد تبدیل قرارداد به خرید دین آیا اشکال بیع دین به دین پیش نمی‌آید؟

نتیجه‌گیری و استفتائات

مطالبات بانک‌ها از مشتریان به چهار طبقه جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول طبقه بندی می‌شود، از سه طبقه اخیر (سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول) تحت عنوان مطالبات غیرجاری یاد می‌شود. طبق مصوبه شورای پول و اعتبار بانک‌ها می‌توانند مطالبات غیرجاری را به چهار روش تقسیط مجدد، تمدید، تجدید و یا تبدیل قرارداد، امهال کنند. در روش اول در حقیقت ادامه دادن قرارداد سابق و در روش اخیر انعقاد قرارداد جدید است. برای امهال قراردادهای مشارکتی، از در روش تمدید و تبدیل استفاده می‌شود. امهال قراردادهای غیرمشارکتی نیز به سه روش تقسیط مجدد، تجدید و تبدیل قرارداد، انجام می‌شود. عمده‌ترین پرسش‌های فقهی در رابطه با امهال قابل طرح است عبارت‌اند از:

۱. در صورت امهال اجاره به شرط تملیک از روش تقسیط مجدد و افزایش تعداد اقساط، نظر به اینکه هنوز تسویه کامل صورت نگرفته است بانک به شرط تملیک عمل نمی‌کند. در این صورت منافع ماهه‌های اضافه شده به مدت قرارداد اضافه شده که معادل تعداد اقساط اضافه شده است از آن کیست؟ آیا مشتری صرفاً در صورت استیفای منافع مدت مزبور ضامن است یا مطلقاً ضامن است؟

۲. در روش تقسیط مجدد، آیا تعلق سود به اصل و سود ناشی از قرارداد فعلی در ازای مدت زمانی که به خاطر امهال به قرارداد اضافه شده جایز است؟

۳. در تمدید قرارداد آیا افزایش مدت زمان مندرج در قرارداد به منزله فسخ قرارداد قبلی است؟ یا صرفاً خودداری از اعمال حق توسط بانک می‌باشد؟

۴. آیا بانک می‌تواند در ازای تمدید قراردادهای مشارکتی نرخ سود اعلامی مشتری را به صورت نسبی افزایش دهد؟ (مثلاً اگر زمان ده درصد اضافه شده نرخ سود اعلامی مشتری هم ده درصد اضافه شود).

۵. در قراردادهای مشارکتی تغییر در برخی از شرایط مورد توافق مثل سهم سود یا سهم الشرکه در قراردادهای مشارکتی آیا به منزله فسخ قرارداد قبلی و انشاء قرارداد جدید است یا قرارداد قبلی همچنان به قوت خود باقی است؟

۶. در روش تجدید و تبدیل که قرارداد فعلی فسخ می‌شود در مواردی که موضوع معامله تلف حقیقی یا تلف حکمی شده باشد، آیا اقاله و فسخ قرارداد امکان‌پذیر است؟

۷. در صورت فسخ قرارداد آیا بانک می‌تواند قرارداد را تا جایی که اقساط پرداخت شده

فسخ نکند و مقداری را که تبدیل به مطالبات غیرجاری شده فسخ یا اقاله کند؟.

۸. در روش تبدیل اگر عین موضوع قرارداد موجود باشد، آیا بانک می‌تواند قرارداد را به سلف یا خرید دین تبدیل کرده و عین موضوع قرارداد فعلی را که معادل ارزش مطالبات حال شده است ثمن آنها قرار دهد؟.

۹. در روش تبدیل اگر عین موضوع قرارداد موجود نباشد، آیا بانک می‌تواند قرارداد را به سلف یا خرید دین تبدیل کرده و مطالبات حال شده خود را ثمن آنها قرار دهد؟.

۱۰. در روش تجدید قرارداد و تبدیل قرارداد، بانک و مشتری توافق می‌کنند قرارداد فعلی را فسخ یا اقاله و سپس قرارداد جدید را انشاء کنند. آیا مشتری می‌تواند بعد از فسخ یا اقاله قرارداد فعلی از انشاء قرارداد جدید استنکاف کند؟ به عبارت دیگر آیا امکان فسخ یک قرارداد به شرط انعقاد قرارداد دیگری وجود دارد؟ چگونه می‌توان وی را به انشاء قرارداد جدید وادار کرد؟.

۱۱. روشن است که غرض بانک از امهال در قالب تبدیل قرارداد آن است که مطالبات غیرجاری خود را احیاء کرده و با افزایش مدت، این امکان را به مشتری بدهد که بتواند اقساط را پرداخت کند. بدیهی است که در ازای افزایش مدت سود محاسبه شده نیز افزایش می‌یابد، بنابراین نتیجه آن با مهلت دادن در ازای افزایش بدهی یکسان است. حال پرسش این است که اگر بانک با چنین غرض و هدفی قرارداد را تبدیل کند، آیا می‌توان گفت قصد جدی معامله تحقق نیافته و صرفاً حيله‌ای غیرمشروع برای فرار از ربا بوده است؟.

۱۲. طبق دستورالعمل امهال بانک می‌تواند با درخواست مشتری مبنی بر صرف نظر کردن از اقدامات اجرایی و حقوقی جهت وصول مطالبات خود در دوره مشخص (حداکثر برای یک سال) با رعایت کلیه مفاد قرارداد از جمله تعلق وجه التزام تأخیر تأدیه دین برای دوره مزبور موافقت کند. آیا چنین توافقی که به معنای جواز تعویق بدهی است و از سویی به بانک هم اجازه می‌دهد وجه التزام را دریافت کند، جایز است و مصداق ربای جاهلی نیست؟.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، میردامادی جمال الدین، چاپ سوم، بیروت: انتشارات دار الفکر.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اصلاحیه دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری، شماره: ۹۹/۲۲۴۳۵۰، ابلاغی ۱۳۹۹/۰۷/۱۳.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستور العمل طبقه بندی دارایی ها، شماره: مب/۲۸۲۳، ابلاغی ۱۳۸۵/۱۲/۰۵.
۵. باقری، محمود و صحرانورد، غزاله، (۱۴۰۰ش)، «راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی؛ بررسی دستورالعمل نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری»، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، شماره ۲۳، صص ۵۵-۸۲.
۶. باقری، محمود، (۱۳۹۹ش)، «بررسی ابعاد حقوقی امهال مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۸۰، صص ۲۱۷-۲۴۴.
۷. بیات، حجت الله، (۱۴۰۲ش)، نیمه اول اجتهاد، چاپ اول، قم: نشر موضوع شناسی.
۸. جواهری، حسن، ربا فقهیا و اقتصادیا، نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام.
۹. _____، (۱۳۷۶ش)، المناقصات، فقه اهل البيت علیهم السلام، ش ۵ و ۶.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، مؤسسه لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغبی، محمد علی، فراهانی فرد، سعید، ملاکریمی، فرشته، (۱۴۰۱ش)، «آسیب شناسی روش های امهال مطالبات غیرجاری با معیار قصد جدی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۸۶، صص ۱۵۹-۱۸۲.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف، (بی تا)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. _____، (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الامامية، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۱۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

۱۶. معصومی نیا، غلامعلی و شهیدی نسب، مصطفی، (۱۳۸۸ش)، «بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهنده»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۵، صص ۹۹-۱۲۸.
۱۷. موسویان، سید عباس و غلامی، روح الله، (۱۳۹۲ش)، «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند، شماره ۶۳ و ۶۴، صص ۱۰۹-۱۴۰.
۱۸. موسویان، سید عباس، (۱۳۸۴ش)، «بررسی فقهی - حقوقی، قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، فقه و حقوق، دوره ۴، صص ۱۱-۳۸.

19. www.mbri.ac.ir.

20. <https://tyb.ir/>.

21. <https://old.makarem.ir>.



تشخيص الموضوع الفقهي لـ «الإمهال» في الديون غير الجارية في النظام المصرفي للجمهورية الإسلامية في إيران

مهدي خطيبی

ملخص البحث

من التحدّيات المهمّة في النظام المصرفي هي الديون غير الجارية، ولذلك ارتأى مجلس النقود والاعتبار أن يدوّن ويصادق على لائحة تنفيذيّة بخصوص «إمهال الديون غير الجارية» وتعميمها على المصارف لمعالجة مشكلة الديون الجارية قدر الإمكان. والإمهال يعنى منح مهلة للزبون المديون الذي أصبحت مطالبات المصرف منه غير جارية، فيتمّ إمهاله بحسب اللائحة المذكورة بأربعة أساليب «التقسيط المكرّر، التمديد، التجديد والتبديل» وأهمّ تحدّد فقهيّ أمام إمهال المدينين للمصارف هي شائبة الربا، إذ ينبغي أن لا تستلزم أساليب الإمهال تمديد المدّة بإزاء دفع مبالغ إضافية، وبما أنّ هذه الأساليب تعدّ من أكثر التساؤلات تكراراً على مكاتب مراجع التقليد العظام، فإنّ البحث الحاضر يتناول دراسة تشخيصيّة لهذا الموضوع. اعتمد البحث منهجاً وصفيّاً تحليليّاً واعتمد المصادر المكتبيّة مؤكّداً على اللائحة التنفيذية للإمهال في النظام المصرفي، وتمّ تلخيصه ضمن ١٢ استفتاءً، لتقديمه إلى مكاتب مراجع التقليد العظام في سبيل إصدار الفتوى المرتبطة.

الألفاظ المفتاحية: الإمهال، الديون غير الجارية، التقسيط المكرّر، تمديد العقد، تجديد العقد، تبديل العقد.

١. أستاذ مشارك في مؤسسة الإمام الخميني (ع) للتعليم والأبحاث، قم، إيران، m.khatibi@iki.ac.ir.

Jurisprudential Subject Identification of the “Granting of Respite” for Non-Performing Loans in the Banking System of the Islamic Republic of Iran

← Mahdi Khatibi ¹ →

Abstract

One of the major challenges in the banking system is the issue of non-performing loans (NPLs). Consequently, the Money and Credit Council sought to resolve this issue to the greatest extent possible by drafting, approving, and notifying banks of the executive directive for the “granting of respite for non-performing loans”. Granting respite (imhāl) means providing a grace period to indebted clients whose bank obligations have become non-performing. According to the aforementioned directive, this grace period is granted through four methods: “rescheduling,” “extension,” “renewal,” and “conversion.” The most critical jurisprudential challenge that complicates the granting of respite to bank debtors is the suspicion of it constituting usury (ribā), as the methods of granting respite must not entail the extension of the debt period in exchange for the payment of additional sums. Since these methods are among the most frequently asked questions directed at the offices of the religious authorities (Marāji‘ al-Taqlīd), the current research has undertaken a subject-identification analysis of this issue. The findings of this study were obtained through a descriptive-analytical method using library resources, with a specific emphasis on the executive directive of “respite” within the banking system. The results have been compiled in the form of 12 religious inquiries (istiftā’āt), ready to be sent to the offices of the religious authorities for the issuance of the appropriate religious edicts.

Keywords: Granting of Respite (Imhāl), Non-Performing Loans, Rescheduling, Contract Extension, Contract Renewal, Contract Conversion.

1. Associate Professor; Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. m.khatibi@iki.ac.ir